

تعهدات دولت‌ها در قبال حق بر غذا با توجه به ماده یازدهم میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

فرهاد طلایی*

استادیار گروه حقوق بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز

علی رزم خواه

کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۹/۸ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۲/۱/۲۶)

چکیده:

در چارچوب حقوق بین‌الملل، حق بر غذا، حق بنیادین هر شخص بر دسترسی پایدار به غذا به گونه‌ای است که پاسخگوی نیازهای غذایی وی باشد. با توجه به جایگاه ویژه دولت‌ها در حقوق بین‌الملل، بررسی تأمین حق بر غذا به عنوان یکی از تعهدات دولت‌ها از اهمیت خاصی برخوردار است. پرسش اصلی آن است که اساس حقوقی تعهدات دولت‌ها در زمینه حق بر غذا چیست و چگونه باید به این تعهد عمل کنند. در این مقاله نشان داده می‌شود که مبنای حقوقی تعهد دولت‌ها نسبت به حق بر غذای کافی برگرفته از اسناد بین‌المللی حقوق بشری به ویژه میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. همچنین در این مقاله بیان می‌شود که مهم‌ترین روش‌های تحقق حق بر غذا، تدوین استراتژی‌های ملی، قانون‌گذاری و اقامه پذیرایی حق بر غذا می‌باشند. نهایتاً نتیجه‌گیری می‌شود که برای تحقق حق بر غذا، دولت‌ها باید به تعهدات خود در سطوح ملی و بین‌المللی عمل کنند.

واژگان کلیدی:

حق بر غذا، تعهدات دولت‌ها، حقوق بین‌الملل، میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.

۱. مقدمه

غذا، یکی از ضروریات اساسی برای بقا و ادامه‌ی حیات بشر است. بر اساس نظریه مازلو (Maslow Theory) اولین نیازمندی از نیازهای پنج‌گانه انسان، غذاست. اگر چه در گستره جهانی، اغلب دولت‌ها از خودبسنده‌ی شان در تولید و ذخیره‌ی مواد غذایی سخن می‌گویند، اما در واقعیت وضعیت به هیچ عنوان مناسب و رضایت‌بخش نیست. بنا به گزارش‌های سازمان خواربار جهانی (فائو) (Food and Agriculture Organization of the United Nations (FAO)) نزدیک به یک میلیارد نفر در سراسر جهان از گرسنگی رنج برده (فائو، ۲۰۱۱، ص. ۸) و بیش از دو میلیارد نفر نیز از «گرسنگی پنهان» (The Hidden Hunger) و سوء تغذیه رنج می‌برند. گزارشگر ویژه حق بر غذا، ۲۰۰۳، ۴؛ زیگلر) همچنین، بنا به آمار برنامه جهانی غذا در هر هفت ثانیه یک کودک بر اثر گرسنگی و یا بیماری‌های ناشی از آن در جهان می‌میرد (برنامه جهانی غذا، ۲۰۱۲، ۲). بنا به گفته مرکز مبارزه با گرسنگی (Action against Hunger)، «مردن بر اثر گرسنگی، به مثابه قتل عمد است و گرفتار شدن به سوء تغذیه شدید و جدی و گرسنگی مزمن و پایدار، مصداق نقض حق اساسی حیات است» (مبارزه با گرسنگی، ۲۰۱۰، ص ۱).

در چارچوب حقوق بین‌الملل، حق بر غذا به عنوان حق بنیادین هر شخص، حق بر رهایی از گرسنگی و دسترسی پایدار به غذا با کیفیت و کمیته‌ست که پاسخگوی نیازهای غذایی و فرهنگی وی باشد (ابراهیم گل، ۱۳۸۷، ص ۲۲۲). مبنای حقوقی حق بر غذا در ماده ۱۱ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (از این پس میثاق) (International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights (16 December 1966)) می‌باشد (میثاق، ۱۹۶۶، ۴). بند اول ماده ۱۱ میثاق، حق هر فرد و خانوار را به برخورداری از استانداردهای لازم زندگی از جمله غذا، پوشاک و مسکن کافی و لزوم بهبود مستمر شرایط زندگی مورد تاکید قرار داده است. در بند دوم همین ماده تاکید شده است که بایستی گام‌های فوری و پایدار برای اطمینان از «حق مسلم رهایی از گرسنگی و سوء تغذیه» به عنوان یکی از نیازهای اساسی انسان پرداخته شود. اولین بار این حق در تفسیر کلی شماره ۱۲ (GC12). General Comment 12)) (از این پس تفسیر شماره ۱۲) کمیته حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل متحد (The UN Committee on Economic, Social and Cultural Rights) (از این پس کمیته) با عنوان «حق بر غذای کافی» تحلیل و بررسی شده است (تفسیر شماره ۱۲، ۱۹۹۹: ۱).

حق بر غذا به عنوان یک مفهوم حقوق بین‌الملل بشر، در بندها و مواد بسیاری از اسناد بین‌المللی حقوق بشری مورد توجه قرار گرفته است؛ در اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کنوانسیون حقوق کودک و تعداد دیگری از

اسناد حقوقی بین‌المللی دیگر. در این اسناد تعهدات و الزاماتی برای حصول اطمینان از تحقق این حق‌ها برای دولت‌های عضو آن‌ها مشخص شده است. به دلیل آنکه انعکاس عملی تحقق حقوق بشر، عرصه حقوق داخلی است و حقوق بین‌المللی بشر، قواعد آن‌را تعیین می‌نماید، بررسی جایگاه حق بر غذا به عنوان تعهدات حقوقی دولت‌ها ضروری به نظر می‌رسد. بنابراین در این مقاله تلاش می‌شود با بررسی مفاد و مقررات مندرج در اسناد حقوقی بین‌المللی و به طور خاص میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، تعهدات دولت‌ها نسبت به تحقق حق بر غذای کافی در سطوح داخلی و بین‌المللی تشریح گردیده و شیوه‌های انجام این تعهد مشخص شود. به این منظور در این مقاله در ابتدا به تعریف حق بر غذای کافی پرداخته می‌شود. در ادامه به جایگاه حق بر غذای کافی در اسناد حقوق بین‌الملل بشری پرداخته شده و با بررسی اسناد حقوقی سخت و نرم اهمیت حق بر غذا در آن‌ها بررسی می‌شود. در بخش پایانی به تعهدات دولت‌ها نسبت به تحقق حق بر غذای کافی توجه شده است و آنگاه نتایج حاصل از پژوهش نیز ارائه گردیده‌اند.

۲. تعریف حق بر غذای کافی

حق بر غذا در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی عنوان مستقلی ندارد و در بند (۱) ماده ۱۱ با عنوان «استاندارد مناسب زندگی» (Adequate Standard of Living) گنجانده شده است (میثاق، ۱۹۶۶، ۴). این حق با اصل حاکم بر نظام بین‌المللی حقوق بشر یعنی اینکه همه انسان‌ها آزاد متولد شده و از نظر حقوق و کرامت با یکدیگر برابرند و باید با یکدیگر با روحیه برادری رفتار کنند، رابطه نزدیکی دارد (کراون (Craven)، ۱۹۹۵، ۲۸۸). یکی از معتبرترین توصیف‌هایی که از حق بر غذا به عمل آمده، در تفسیر شماره ۱۲ کمیته در مورد ماده ۱۱ میثاق یافت می‌شود که بیان شده است: «حق بر غذای کافی زمانی تحقق می‌یابد که هر مرد، زن و کودکی به تنهایی و یا به صورت جمعی با دیگران توانایی دسترسی اقتصادی و فیزیکی در همه زمان‌ها به مقدار کافی غذا و یا ابزار تهیهی غذا داشته باشد». (تفسیر شماره ۱۲، ۱۹۹۹، ۱) محتوای اصلی تعریف حق بر غذا متضمن بر فراهم بودن و در دسترس بودن میزان کافی غذا از منظر کمی و کیفی برای ارضای نیازهای رژیم غذایی افراد، رهایی از مواد مضر و قابل پذیرش بودن از منظر فرهنگ اجتماعی حاکم است. در دسترس بودن مواد غذایی باید به شیوه‌ای پایدار باشد و در تقابل با تحقق سایر حقوق بشری نباشد. (ویدار (Vidar)، ۲۰۰۳ الف)، ۸). اولین گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در زمینه حق بر غذا در گزارش خود به مجمع عمومی نیز از همین تعریف استفاده نمود (گزارشگر ویژه (زیگلر)، ۲۰۰۱، ۷).

کمیت در تفسیر شماره ۱۲ خویش عناصری را برای حق بر غذا برمی‌شمرد که از آن جمله می‌توان به کفایت (Adequacy)، قابلیت پذیرش فرهنگی (Cultural Acceptability)، سلامت (Healthy) و دسترسی اقتصادی و فیزیکی (Physical and Economic Access) اشاره کرد. در خصوص معنای «غذای کافی» برخی مفسران اظهار کرده‌اند که «کفایت» غذایی فراتر از آن چیزی است که تنها موجبات زنده بودن آدمی را فراهم کند، بلکه باید در احراز آن به تأثیر نوع غذا در سلامت شخص یا توانمند کردن او برای پیگیری یک زندگی عادی و فعال توجه شود و واضح است که هر معیاری که کفایت با توجه به آن سنجیده می‌شود نیز باید تعریف شود (نارولا (Narula)، ۲۰۰۶، ۷۰۳-۷۰۴). به علاوه کفایت، واجد هر دو جنبه کمی و کیفی است؛ یعنی غذا باید هم از نظر میزان کالری و انرژی غذایی حاصله و هم از نظر مواد غذایی ضروری همچون ویتامین‌ها کافی باشد (ایده (Eide)، ۱۹۹۸، ۳). مفهوم دقیق «کفایت» به میزان زیادی با توجه به شرایط اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، آب و هوایی و اکولوژیکی حاکم تعیین می‌شود (تفسیر شماره ۱۲، ۱۹۹۹، ۲). همچنین منبع غذایی باید از نظر فرهنگی قابل پذیرش بوده (با فرهنگ غذایی رایج سازگار باشد) و سالم (فاقد عناصر سمی و آلوده‌کننده) باشد (تفسیر شماره ۱۲، ۱۹۹۹، ۳).

۳. جایگاه حق بر غذا در اسناد بین‌المللی حقوق بشری

حق بر غذا بر خلاف غفلتی که در عمل نسبت به آن نشان داده می‌شود، در تئوری بسیار مورد توجه قرار گرفته و در گستره وسیعی از اسناد حقوق بشری به آن پرداخته شده است. در این بخش به برخی از این اسناد بین‌المللی اشاره می‌شود. نخستین بار حق بر غذا در ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر (The Universal Declaration of Human Rights (UDHR, 10 December 1948) مورد اشاره قرار گرفته است. ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر می‌دارد: «هرکس حق دارد تا سطح زندگی، سلامت و رفاه خود و خانواده‌اش را از حیث غذا، مسکن و مراقبت‌های پزشکی و خدمات لازم اجتماعی تأمین کند».

اعلامیه جهانی حقوق بشر در چنان گستره‌ای مورد پذیرش قرار گرفته که بسیاری محققان حقوقی بر این باورند که دست‌کم بخش‌های مشخصی از مفاد آن وارد حقوق بین‌الملل عرفی شده است (هاننم (Hannum)، ۱۹۹۸، ۲۰۸). حتی در صورت رد این نظر نیز نمی‌توان کتمان کرد که اعلامیه جهانی حقوق بشر در وضعیتی بالاتر از اسناد حقوق نرم معمولی (The Normal Soft Law Instruments) (یعنی اسنادی که هنوز از نظر حقوقی الزام محکمی به دست نیاورده‌اند) قرار می‌گیرد، چرا که این سند در بسیاری موارد به مبانی و اصول پایه‌ای حقوق بشر و اهداف

سازمان ملل متحد مندرج در منشور ملل متحد، به عنوان بلندمرتبه‌ترین سند حقوق بین‌الملل، اشاره کرده است (ویدار، ۲۰۰۳ الف، ۳).

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، در بند اول ماده ۱۱ میثاق مقرر شده است: «کشورهای طرف این میثاق حق هرکس را به داشتن سطح زندگی کافی برای خود و خانواده‌اش شامل خوراک، پوشاک و مسکن کافی و همچنین بهبود مداوم شرایط زندگی به رسمیت می‌شناسند». این بند ماده یکی از کلی‌ترین مفاد میثاق است و مسائلی را در بر می‌گیرد که به طور معمول در موضوع «توسعه» بدان توجه می‌شود. در واقع در این ماده حق بر غذا در کنار داشتن مسکن و لباس، جزئی از استاندارد مناسب برای زندگی به شمار می‌آورد.

در کنار جوهری بودن (The Subsistence Right) حق بر غذا به عنوان یکی از حقوق بشری (مولایی، ۱۳۸۶، ۲۷۷) این حق را می‌توان تفسیری از ماده ششم میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که به بیان حق ذاتی حیات بشر می‌پردازد، دانست. کمیته حقوق بشر معتقد است که حق بر حیات مندرج در این ماده را نباید به گونه‌ای محدود تفسیر نمود (تفسیر شماره ۲۸، ۲۰۰۰، ۱). این کمیته در تفسیر کلی شماره ۶ خود بیان می‌کند: «حمایت از حق حیات مستلزم آن است که دولت‌ها اقدامات قطعی و معینی اتخاذ کنند... و مطلوب آن خواهد بود که دولت‌ها تمام اقدامات ممکنه را اتخاذ کنند تا امید به زندگی را افزایش دهند، به‌ویژه با اتخاذ اقداماتی که به محو و نابودی سوء تغذیه و بیماری‌های همه‌گیر شوند» (تفسیر شماره ۶، ۱۹۸۲، ۲).

جدا از اسناد پایه‌ای حقوق بشری، در بسیاری از اسناد حقوقی بین‌المللی دیگر در چارچوب حقوق بشر و حقوق بشردوستانه نیز یا مستقیماً حق بر غذا به رسمیت شناخته شده است و یا مفاد آن‌ها با مفهوم حق بر غذا مرتبط هستند. بند سه ماده ۲ کنوانسیون ۱۹۴۸ منع و مجازات جنایت نسل‌زدایی (Convention on the Prevention and Punishment of The Crime of Genocide) (1948) که به تعریف این جنایت می‌پردازد به عنوان یکی از روش‌های نسل‌زدایی، بیان می‌کند: «در این معاهده، مفهوم کلمه نسل‌زدایی یکی از اعمال مشروحه ذیل است که به نیت نابودی تمام یا گروه ملی و قومی و نژادی و یا مذهبی ارتکاب گردد: ... ۳. قرار دادن عمدی گروه در معرض وضعیت‌های زندگی نامناسبی که منتهی به زوال قوای جسمی کلی یا جزئی آن بشود» (کنوانسیون نسل‌زدایی، ۱۹۴۸، ۲). در این زمینه گرسنگی دادن عمدی و استفاده از گرسنگی و قحطی به عنوان سلاحی برای نابودی عمدی گروه بدون شک نقض بارز و آشکار حق بر غذاست.

ماده ۲۰ کنوانسیون ۱۹۵۱ مربوط به وضعیت پناهندگان (Convention relating to the status of Refugees) (1951) که به مسئله «جیره‌بندی» (Ration) مواد غذایی می‌پردازد نیز به طور غیر مستقیم به حق بر غذا ارتباط دارد (کنوانسیون پناهندگان، ۱۹۵۱، ۴).

همچنین در بند چهارم ماده ۲۴ کنوانسیون حقوق کودک مصوب سال ۱۹۸۹ میلادی (Convention on the Rights of the Child (1989)) آمده است: «دولت‌ها باید اقدامات لازم را برای پایان دادن به مرگ و میر کودکان انجام دهند و باید شرایطی را که سبب بروز ناخوشی و نوع تغذیه می‌شود، رفع نمایند. دولت‌ها باید آب و غذای کودکان را تأمین کنند» (کنوانسیون حقوق کودک، ۱۹۸۹، ص ۶).

در کنار اسناد حقوقی الزام‌آور بین‌المللی، کنفرانس‌های بین‌المللی و اعلامیه‌ها و قطع‌نامه‌های توصیه‌ای زیادی نیز وجود دارند که وفاق عمومی جهانی بر هنجارهای مرتبط با حق بر غذا را نشان می‌دهند. در ذیل به بررسی نمونه‌های عمده‌ای از آن‌ها پرداخته می‌شود. تایید و تاکید بر تلاش جهانی برای محو گرسنگی و سوء تغذیه و ریشه‌کنی علل و عوامل پیدایش آن در بسیاری از اعلامیه‌ها و قطعنامه‌های مجامع بین‌المللی تکرار شده‌اند. به عنوان نمونه می‌توان به اعلامیه جهانی در مورد تغذیه در ۱۹۹۲ (Word Declaration on Nutrition, 1992)، اعلامیه وین در مورد حقوق بشر ۱۹۹۳ (Vienna Declaration on Human Rights, 1993)، اعلامیه رم در مورد امنیت غذایی جهانی ۱۹۹۶ (Rome Declaration on World Food Security, 1996)، برنامه عمل نشست جهانی غذا ۱۹۹۶، قطعنامه ۱۵/۱۷۱ مجمع عمومی ملل متحد ۱۹۹۶ و از همه این موارد مهم‌تر اعلامیه اهداف توسعه هزاره ملل متحد در ۲۰۰۰ میلادی اشاره شود که در آن دولت‌ها موافقت نمودند که تلاش نمایند که تا سال ۲۰۱۵ میلادی تعداد گرسنگان جهان را به نصف کاهش دهند (منربخش، ۱۳۸۸، ص ۱۷). همچنین در اعلامیه اجلاس جهانی غذا: پنج سال بعد، در سال ۲۰۰۲ میلادی (The Declaration of The World Food Summit: Five Years Later, 2002) بار دیگر به حق همه برای دسترسی به غذای مغذی و ایمن (The Safe and Nutritious Food) تاکید شد.

۴. تعهدات داخلی و بین‌المللی دولت‌ها در زمینه حق بر غذای کافی

فرایند به دست آوردن غذا فرایندی پیچیده است که لازمه‌اش فعل و انفعالات بسیاری میان تعداد زیادی سازمان و موسسه است که به آن «نظام غذایی» (The Food System) می‌گویند. این نظام با حقوق زمین و مزارع و تولید غذا شروع می‌شود و تا بازارهای فروش مواد غذایی و ایمنی غذایی گسترش می‌یابد. درآمد افراد از تولید مواد غذایی از یک طرف و دسترسی افراد به آن مواد غذایی از طرف دیگر به موارد بسیاری وابسته است. در هر مرحله از این فرایند دولت می‌تواند در کنار نهادهای خصوصی حضور داشته باشد. مسئولیت دولت‌ها در این زمینه در گستره وسیعی از تعیین حداقل دستمزدها تا وضع قوانین مالکیت زمین، تا کنترل کیفیت غذا تا مشارکت مستقیم در تولید مواد غذایی قرار می‌گیرد (نارولا، ۲۰۰۶، ص ۷۲۵). در این بخش،

در ابتدا به بررسی معنای تحقق تدریجی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که شامل حق بر غذا نیز می‌گردد، پرداخته می‌شود و در بندهای بعدی تعهدات دولت‌ها در سطوح ملی و بین‌المللی تحلیل می‌شوند.

۴,۱. بررسی مفهوم تعهد دولت‌ها به تحقق تدریجی حق بر غذای کافی

به موجب ماده ۲ میثاق، هر دولت عضو متعهد است بهره‌مندی از حقوق مندرج در میثاق را با استفاده از حداکثر منابع موجود و با تمامی تدابیر مناسب به صورت تدریجی تأمین کند. ماده ۱۱ این میثاق نیز که به حق بر غذا اشاره می‌کند باید با توجه به ماده ۲ تفسیر شود، اما تدریجی بودن نهایی تأمین این حقوق بدین معنی نیست که دولت‌ها تعهد فوری به تأمین حداقل بر خورداری اشخاص تحت صلاحیت خویش از این حقوق ندارند.

پس از آنکه در بند اول ماده ۱۱ میثاق، به حق بر غذا به عنوان یکی از موارد لازم برای زندگی اشاره شده، در بند دوم به تعهدات دولت‌های عضو این‌گونه اشاره شده است: «کشورهای طرف این میثاق با اذعان به حق بنیادین هرکس به رهایی و آزادی از گرسنگی، از طریق همکاری بین‌المللی تدابیر لازم از جمله برنامه‌های مشخص را به قرار ذیل اتخاذ خواهند کرد:

الف- بهبود روش‌های تولید، حفظ و توزیع خواربار با استفاده کامل از معلومات فنی و علمی با اشاعه اصول آموزش و تغذیه و یا توسعه یا اصلاح نظام کشاورزی به نحوی که حداکثر توسعه مؤثر و استفاده از منابع طبیعی را تأمین نماید.

ب- تأمین و توزیع منصفانه ذخایر (منابع) خواربار جهان بر حسب نیازها با توجه به مسائل و مشکلات کشورهای صادرکننده و واردکننده غذا» (میثاق، ۱۹۶۶، ص ۴).

تعهدات دولت‌های عضو میثاق در بند (۱) ماده ۲ میثاق آمده است: «هر کشور طرف این میثاق متعهد می‌شود به سعی و اهتمام خود و از طریق همکاری و مساعدت بین‌المللی - به‌ویژه در طرح‌های اقتصادی و فنی - با استفاده از حداکثر منابع موجود به منظور تأمین تدریجی حقوق شناخته شده در این میثاق با کلیه وسایل مقتضی به‌خصوص با اقدامات قانون‌گذاری اقدام نماید» (میثاق، ۱۹۶۶، ص ۲).

تعهدات دولت‌های عضو میثاق حول مفهوم تحقق تدریجی (Realization Progressive) می‌گردد، چرا که اکثر حقوق مندرج در میثاق تا حد زیادی به وجود و دسترسی به منابع متکی‌اند و این موضوع در مفهوم تحقق تدریجی نهفته است. یکی از تفسیرهای کلی کمیته، تفسیر کلی شماره ۳ در مورد ماهیت تعهدات دولت‌های عضو میثاق است. کمیته در بند (۱) این تفسیر کلی در خصوص ماده ۲ میثاق می‌گوید: «ماده ۲ برای درک کامل میثاق اهمیت اساسی دارد و باید بین آن و سایر مواد میثاق رابطه‌ای پویا (Dynamic) برقرار کرد. این ماده،

ماهیت تعهدات قانونی دولت‌ها به موجب میثاق را شرح می‌دهد» (تفسیر شماره ۳، ۱۹۹۰، ۱). کمیته معتقد است که کاربرد عبارت «تحقق تدریجی» نشان‌گر شناسایی این مطلب است که تحقق کامل حقوق مندرج در میثاق در مدت زمان کوتاه ممکن نیست. در عین حال قید چنین مفهومی بدین معنی نیست که میثاق باید به‌گونه‌ای تفسیر شود که تعهدات مندرج در آن فاقد اهمیت هنجاری شود (تفسیر شماره ۳، ۱۹۹۰، ۳). این مفهوم باید در پرتو هدف کلی و در واقع علت وجودی میثاق یعنی ایجاد تعهدات روشن و مشخص برای دولت‌های عضو در ارتباط با تحقق کامل این حقوق مورد توجه قرار گیرد. بنابراین با توجه به تفسیر شماره ۳ کمیته باید عنوان نمود که تعهدی فوری به حرکت سریع، فوری و کارا به سمت آرمان‌های شریف انسانی مندرج در میثاق وجود دارد.

۴,۲. تعهدات داخلی دولت‌ها در زمینه‌ی حق بر غذای کافی

این امر به خوبی روشن است که صرف اعلام و تاکید و تایید حقوق بشر برای تحقق آن حقوق کافی نیست. بلکه تعهدات لازم‌الاجرا شده در مورد آن‌ها باید به مرحله اجرا و انجام برسد. بر اساس حقوق بین‌الملل، تعهد اساسی تحقق حق بر غذا بر عهده دولت‌ها گذاشته شده است (آهلوالیا (Ahluwalia)، ۲۰۰۴، ص ۸).

همچنان که در تفسیر شماره ۱۲ کمیته به روشنی بیان شده است، راه‌ها و روش‌های مناسب برای تحقق حق بر غذا در هر کشور نسبت به کشورهای دیگر متفاوت است و در نتیجه دولت‌ها خود بایستی به صلاحدید خود اقدام به اتخاذ اقدامات متناسب با وضعیت خود نمایند. در کنار آن کمیته تاکید می‌کند که برای تحقق کامل حق بر غذا، باید در استراتژی ملی اتخاذ شده اصولی نظیر پاسخ‌گو بودن (The Principles of Accountability)، شفافیت (Transparency)، مشارکت مردمی (People's Participation)، تمرکز زدایی (Decentralization)، صلاحیت قانون‌گذاری (Capacity Legislative) و استقلال قضایی (The Independence of the Judiciary) نیز رعایت شود. حکمرانی مطلوب (به‌زام‌داری) (Good Governance) نیز اصلی ضروری برای تحقق همه حقوقی بشری است که شامل محو فقر و تنگ‌دستی و ایجاد زندگی رضایت‌مندانه برای همه انبای بشر هم می‌شود (تفسیر شماره ۱۲، ۱۹۹۹، ۴).

امروزه در خصوص تعهدات حقوق بشری دولت‌ها یک چارچوب تحلیلی حاوی سه نوع تعهد است که حق بر غذای کافی نیز این سه گونه تعهد را بر دولت‌ها بار می‌کند. این دسته‌ها شامل «تعهد به احترام» (The Obligation to Respect)، «تعهد به حفاظت» (The Obligation to Protect) و «تعهد به برآورده کردن» (The Obligation to Fulfill) حقوق بشر مطرح است. تعهد

به برآورده کردن، خود متشکل از دو تعهد است، یکی «تعهد به تسهیل» (The Obligation to Facilitate) و دیگری «تعهد به تهیه نمودن» (The Obligation to Provide).

میان این سه نوع تعهد نوعی سلسله مراتب در اجرا وجود دارد. بدین معنی که در سطح نخست دولت‌ها متعهد به احترام به روش‌های انتخابی اشخاص برای تحقق حق بر غذای خود و رعایت آزادی آن‌ها برای انتخاب شغل مورد علاقه خویش و استفاده مطلوب از منابع متعلق به خود برای ارضای نیازهایشان هستند (تعهد به احترام). در سطح دوم، دولت‌ها متعهد به حمایت فعال از اشخاص در مقابل سایر اشخاص و به‌ویژه در مقابل منافع اقتصادی قوی‌تر هستند (تعهد به حفاظت) (ایده، ۱۹۹۸، ۴).

تعهد به برآورده نمودن بدین معنی است که در ابتدا دولت عضو باید فعالانه در اقداماتی که هدف از آن‌ها تقویت دسترسی اشخاص و بهره‌مندی از منابع و وسایل برای تضمین امرار معاش همچون امنیت غذایی باشد مشارکت کرده و روند دستیابی افراد را به حق بر غذای خود تسهیل کند. در ادامه هنگامی که شخص یا گروهی از اشخاص به دلایل خارج از کنترل ایشان، قادر به بهره‌مندی از حق خویش بر غذای کافی با وسایل موجود در اختیارشان نباشند، دولت‌ها ملزمند که آن حق را به‌طور مستقیم تأمین کنند، تعهدی که نسبت به قربانیان بلایای طبیعی یا سایر حوادث اعمال می‌شود (تفسیر شماره‌ی ۱۲، ۱۹۹۹، ۷).

بنابراین در مرحله‌ی سوم، دولت‌ها موظفند شرایط را به گونه‌ای تسهیل نمایند که حق بر غذا محقق شود. این مهم به شیوه‌های گوناگونی می‌تواند رخ دهد که برخی از آن‌ها در اسناد مرتبط آمده است. به عنوان نمونه می‌توان به بند دوم ماده ۱۱ میثاق اشاره کرد که بر اساس آن دولت‌ها متعهد به «بهبود روش‌های تولید و حفظ و توزیع خواربار با استفاده کامل از معلومات فنی و علمی با اشاعه اصول آموزش تغذیه و با توسعه یا اصلاح نظام کشاورزی به نحوی که حداکثر توسعه موثر و استفاده از منابع طبیعی را تأمین نمایند» (میثاق، ۱۹۶۶، ۴).

در نهایت اینکه دولت‌ها متعهد به تحقق کامل حق بر غذا از جمله امنیت غذایی به معنای اطمینان از تغذیه با مواد خوراکی بهداشتی و ایمن و کافی هستند. تعهد به برآورده کردن توسط دولت‌ها به‌طور مستقیم زمانی لزوم پیدا می‌کند که احترام، حمایت و تسهیل، ناکافی بوده و حق بر غذا محقق نشده است (آهلوالیاء، ۲۰۰۶، ص ۲۰).

بنابراین، حق بر غذا بدون حمایت دولتی امری بی‌معنا خواهد بود. بر اساس حقوق بین‌الملل دولت‌ها نهاد اصلی هستند که مسئولیت دارند دستیابی مردم به حقوق بشر را تضمین نمایند. بر اساس ماده ۲ میثاق، دولت‌های عضو متعهدند که اقداماتی در جهت تحقق تدریجی حق بر غذا اتخاذ کنند و در این راه از تمامی ابزارهای مناسب و ممکن و در دسترس بهره بگیرند؛ اگر چه این تحقق تدریجی با لحاظ شرایطی از قبیل «بهره‌گیری حداکثری از منابع

در دسترس) (Maximum utilization of Available Resources) محدود شده است. از طرف دیگر بنا به نظر کمیته «تحقق تدریجی» یک تعهد پایه‌ای حداقلی (A Minimum Core Obligation) برای دولت‌ها ایجاد می‌کند که بر اساس آن هر دولت عضو باید اطمینان حاصل کند که تمامی افراد تابع صلاحیت آن دولت، به سطح پایه‌ای خوراک ضروری برای زندگی که ایمن، بهداشتی، کافی و مغذی باشد، دسترسی دارند (تفسیر شماره ۱۲، ۱۹۹۹، ۱۴). بنابراین هر دولت عضوی که مردمانش از خوراک کافی و بسنده محروم باشند، نقض‌کننده میثاق است. (کمیسر عالی حقوق بشر، ۱۹۹۸، ۱۷).

۴,۳. روش‌های حقوقی تحقق حق بر غذا در سطح ملی

یکی از تدابیر مناسب برای تحقق حقوق مندرج در میثاق در سطح ملی توسط دولت‌ها، قانون‌گذاری است. در زمینه حق بر غذا نیز یکی از اقدامات دولت‌ها، شناسایی حق بر غذا در قوانین اساسی یا عادی است. کشورهای متعددی در قوانین اساسی خویش به حق بر غذا یا یک قاعده مرتبط اشاره کرده‌اند.^۱ به باور برخی حقوق‌دانان قانون‌گذاری به موجب میثاق الزام‌آور نیست و این در صلاح‌دید دولت است که در مورد نیاز یا بی‌نیازی به تصویب چنین قانونی تصمیم‌گیری کند (نیومن (Newman)، ۱۹۹۶، ۸۶). اما به نظر می‌رسد این تفسیر با توجه به بند اول ماده ۲ میثاق که ابزار قانون‌گذاری را یکی از ابزارهای دولت‌های عضو در تحقق حقوق مندرج در میثاق دانسته، در تعارض است.

جدا از موضوع تدوین و تصویب قوانین در سیستم حقوقی داخلی برای تحقق حق بر غذا، یکی از راه کارهای پیگیری تحقق حق بر غذا، امکان اقامه دعوی حقوقی (اقامه‌پذیری) (Justiciability) در خصوص نقض حق بر غذا در مراجع صالح قضایی است. کمیته در بند ۳۲ تفسیر شماره ۱۲، پس از شناسایی حق دسترسی هر شخص یا گروه قربانی نقض حق بر غذای کافی در هر دو سطح ملی و بین‌المللی به روش‌های جبرانی قضایی موثر و دیگر شیوه‌ها، در بند ۳۳ به این مطلب اشاره می‌کند که پس از ورود اسناد بین‌المللی در نظم حقوقی داخلی، دادگاه‌ها قادرند به نقض‌های حق بر غذا با اشاره مستقیم به تعهدات ناشی از میثاق رسیدگی کنند (تفسیر شماره ۱۲، ۱۹۶۶، ۱۱).

بر اساس ماده ۲ میثاق، اقدامات قانونی و حقوقی برای اجرای حق بر غذا یکی از راهکارهای عمل به تعهدات مندرج در میثاق توسط دولت‌هاست و کمیته در تفسیر شماره ۱۲

۱. در قوانین اساسی کشورهای زیر حق بر غذا به رسمیت شناخته شده است: هائیتی (ماده ۲۲)، کوبا (ماده ۸)، گواتمالا (مواد ۵۱ و ۹۹)، نیکاراگوآ (ماده ۶۳)، کلمبیا (ماده ۴۴)، اکوادور (ماده ۱۹)، برزیل (ماده ۲۲۷)، پاراگوئه (ماده ۵۳)، اوکراین (ماده ۴۸)، ایران (ماده ۳)، پاکستان (ماده ۳۸)، هندوستان (ماده ۴۷)، بنگلادش (ماده ۱)، سری‌لانکا (ماده ۲۷)، اتیوپی (ماده ۹۰)، مالاوای (ماده ۱)، اوگاندا (ماده ۸۴)، آفریقای جنوبی (ماده ۲۷)، کنگو (ماده ۳۴)، نیجریه (ماده ۱۶).

پیشنهاد می‌کند که به عنوان سند اصلی و معیار در برنامه‌ی ملی تحقق حق بر غذا، یک چارچوب حقوقی کلی تهیه و تدوین شود. در این سند حقوقی باید مسئولیت نهادها و سازمان‌های مختلف دولتی و حکومتی در قبال حق بر غذا به روشنی مشخص شود. همچنین در این سند حقوقی باید فضایی برای مشارکت گسترده‌تر سازمان‌های مردم‌نهاد (غیر دولتی)، جوامع مدنی و محلی در تصمیم‌گیری‌ها ایجاد کند. یکی دیگر از موارد مهمی که باید در سند حقوقی فوق‌الذکر در نظر گرفته شود، امکان بررسی، اعتراض، دادخواهی و مراجعه به محاکم قضایی در قبال نقض حق بر غذا برای افراد جامعه است (ویدار، ۲۰۰۳ (ب)، ص ۱۱).

از نمونه‌های موفق قانون‌گذاری داخلی در زمینه حق بر غذا می‌توان به دولت گواتمالا اشاره کرد که در سال ۲۰۰۵ میلادی، قانونی در زمینه امنیت ملی تغذیه و غذا (Ley del Sistema Nacional de Seguridad Alimentariay Nutricional) تدوین نمود. در این قانون علاوه بر تعریف حق بر غذا و امنیت غذایی (ماده‌ی ۱) دستور تاسیس یک شورای ملی در مورد غذا و امنیت غذایی (CONASAN) به منظور اجرای ملی این حق بشری نیز صادر شد. در این شورا نمایندگان دولت، انجمن‌های مدنی و مشارکت‌کنندگان بین‌المللی حضور دارند. در این قانون همچنین حضور بازرسانی پیش‌بینی شده است که بر روند عملکرد دولت در راستی عمل به تعهدات خود در زمینه‌ی حق بر غذا در سطح کشور نظارت می‌کنند (دو شوتر (De Schutter)، ۲۰۰۹، ۲۸).

همچنین در سال‌های اخیر در بسیاری از کشورهای دنیا افراد و گروه‌های جمعی به نحو فزاینده‌ای به نقض حق بر غذای خود اعتراض کرده‌اند. به عنوان نمونه در هندوستان، نهاد مردمی اتحاد برای کارگران شهری (The NGO People's Union for Civil Liberties) با ارایه دادخواستی به دیوان عالی هند، ادعا نمود که مرگ‌های ناشی از قحطی و گرسنگی در مناطق روستایی هند در حالی رخ می‌دهد که انبارهای غله آن کشور مملو از مواد غذایی است. دادگاه در رای خود اعلام نمود که مبارزه با گرسنگی و قحطی یکی از مسئولیت‌های ابتدایی و اساسی دولت‌هاست و اهمال در اجرای آن نقض آشکار حق حیات بشر و خدشه‌دار کردن کرامت بشری به شمار می‌رود. به علاوه، این مسئله، نقض وظیفه دولت در ارتقای سطح تغذیه و استاندارد زندگی مردمی است که تحت صلاحیت آن دولت زندگی می‌کنند (آهلوالیبا، ۲۰۰۶، ۳۶-۴۳). در خصوص تعهد دولت‌ها به اجرا و تحقق حق بر غذا نمونه‌هایی از آرای نهادهای ملی و منطقه‌ای وجود دارند که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود.

در ۲۰۰۱، کمیسیون آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها، نتیجه گرفت که دولت نیجریه با عدم جلوگیری از تخریب و آلودگی منابع غذایی مردمان بومی آگونی (The Ogoni People) به وسیله کمپانی‌های نفتی از یک طرف و با اعمال زور از طریق نیروهای نظامی و امنیتی از طرف دیگر،

از تعهدات خود در زمینه احترام و حمایت از حق بر غذای این مردمان عدول نموده است (فائو، ۲۰۰۶، ۱۲).

در ۲۰۰۶ میلادی دیوان آمریکایی حقوق بشر رای داد که دولت پاراگوئه با اهمال در اطمینان از دسترسی به زمین‌های آبا و اجدادی جامعه بومی ساھویاماخا (The Sawhoyamaxa indigenous community) که به طور طبیعی منبع تهیه مواد غذایی و وسیله امرار معاش آن‌ها به شمار می‌رود، حق بر غذای آن‌ها را نقض نموده است (هربل (Herbel)، ۲۰۱۲، ص ۵۱).

در سال ۲۰۰۸ میلادی، دیوان عالی نپال در پاسخ به یک دادخواست قضایی عمومی، قرار موقتی صادر نمود بر این مبنا که دولت موظف است بی‌درنگ مواد غذایی مورد نیاز مردمی را که از کمبود غذا به شدت رنج می‌برند تأمین کند. دیوان عالی بیان نمود که قانون اساسی از حق بر غذا به عنوان یکی از حقوق اساسی ملت یاد نموده و دولت موظف است اطمینان حاصل کند که همه مردم از این حق بشری برخوردارند (همان، ص ۹۳).

به این ترتیب، بر اساس حقوق بین‌الملل تعهد اصلی دولت‌ها اتخاذ گام‌هایی در راه دستیابی به تحقق کامل حق بر غذای کافی بوده و هر دولتی موظف است اطمینان حاصل کند که دست‌کم همه افراد تحت صلاحیت او به حداقل مواد غذایی ضروری که برای معاش او کافی باشد، دست می‌یابد. با این حال، همواره در مباحث حقوق بین‌الملل از عبارت «تحقق تدریجی» استفاده می‌شود و مشخص نیست چه زمانی قرار است از تعهدات دولت‌ها به احترام، حمایت و برآورده کردن حق بر غذا یاد شود. این امر در سیاق عبارت‌های متن‌های اسناد بین‌المللی هم دیده نمی‌شود. به نظر می‌رسد فشاری سیاسی از سوی برخی دولت‌ها وجود دارد که تفسیر محدودی از این موارد انجام شود (آهلوالیا، ۲۰۰۶، ص ۱۲).

۴,۴. تعهدات بین‌المللی دولت‌ها در زمینه حق بر غذای کافی

در چارچوب حقوق بین‌الملل، دولت‌ها علاوه بر تعهدی که نسبت به افراد حاضر در سرزمین تحت صلاحیت خود دارند، در مقابل حق بر غذای مردم دیگر کشورها نیز متعهد هستند. به این معنا که آن‌ها باید تضمین کنند که سیاست‌های اجرایی‌شان نه تنها موجب نقض حق بر غذای کافی مردمان سرزمین‌های دیگر نمی‌شود، بلکه تا جایی که ممکن است در تحقق و اجرای کامل حق بر غذای آن‌ها مشارکت نموده و به دولت‌های دیگر در جهت تحقق حق بر غذای کافی یاری رسانند (کت، ۲۰۰۹، ص ۱۱۳). در حقیقت، این مهم، مفهوم بین‌المللی تعهد به احترام است.

بر اساس مفهوم تعهد به حمایت، در سطح بین‌المللی نیز دولت‌ها مکلف هستند که شرکت‌های تجاری و بازرگانی خود را به نحوی کنترل کنند که حق بر غذای ملت‌های دیگر را نقض نمایند (کت، ۲۰۰۹، ص ۱۱۷). همان‌طور که در بند (۱) ماده ۱۱ میثاق اشاره شده در تحقق

حق بر «استاندارد مناسب زندگی» و در نتیجه حق بر غذا، همکاری بین‌المللی مبتنی بر رضایت آزادانه، اهمیت اساسی دارد. ماده مزبور به دو مفهوم «همکاری» (Cooperation) و «مساعادت بین‌المللی» (International assistance) اشاره می‌کند. بر این اساس تکلیف دولت‌ها یعنی تعهد به برآورده کردن، در سطح بین‌المللی به دو گونه همکاری و مساعادت بین‌المللی تقسیم می‌شود. نمونه بارز مساعادت‌های بین‌المللی کمک‌های غذایی فوری به کشورهای قحطی‌زده است.

در نهایت اینکه با توجه به مواد ۵۵ و ۵۶ منشور ملل متحد^۱ (منشور ملل متحد، ۱۳۸۲، ۶۵) و تفسیر کلی بند اول ماده ۲، ماده ۱۱ و ۲۳ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و اعلامیه رم اجلاس جهانی غذا، دولت‌ها باید نقش اساسی و بارز مشارکت بین‌المللی را در روند تحقق حق بر غذای کافی به رسمیت بشناسند و تعهداتشان را در قبال مشارکت در اقدامات و فعالیت‌های بین‌المللی که به تحقق کامل حق بر غذای کافی می‌انجامد، بپذیرند.

۵. نتیجه

هر انسانی از این حق برخوردار است که از گرسنگی رها بوده و به منابع غذایی ایمن و مغذی دسترسی داشته باشد. حق بر غذا، به عنوان یک مفهوم اساسی در حقوق بین‌الملل بشر، دست‌کم در اسناد رسمی، به عنوان یکی از حقوق مسلم بشری مورد موافقت قرار گرفته است. این حق در بندها و مواد بسیاری از اسناد بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته است؛ از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کنوانسیون حقوق کودک و تعداد دیگری از اسناد حقوقی بین‌المللی دیگر. در این اسناد تعهدات و الزاماتی برای حصول اطمینان از تحقق این حق برای دولت‌های عضو آن‌ها، مشخص شده است.

همان‌گونه که تاکید شد، به موجب میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، دولت‌ها به طور خاص متعهد هستند بهره‌مندی از حقوق بشری مندرج در میثاق را با استفاده از حداکثر منابع و با تمامی تدابیر مناسب به صورت تدریجی تأمین کنند. یکی از این حقوق،

۱. ماده ۵۵- با توجه به ضرورت ایجاد شرایط ثبات و رفاه برای تأمین روابط مسالمت‌آمیز و دوستانه بین‌الملل براساس احترام به اصل تساوی حقوق و خودمختاری ملل، سازمان ملل متحد امور زیر را تشویق خواهد کرد:

الف- بالا بردن سطح زندگی، فراهم ساختن کار برای حصول شرایط ترقی و توسعه در نظام اقتصادی و اجتماعی؛

ب- حل مسائل بین‌الملل اقتصادی - اجتماعی - بهداشتی و مسائل مربوط به آن‌ها و همکاری بین‌المللی فرهنگی و آموزش؛

ج- احترام جهانی و موثر حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه بدون تبعیض از حیث نژاد، جنس و زبان یا مذهب.

ماده ۵۶- کلیه اعضا متعهد می‌شوند که برای نیل به مقاصد مذکور در ماده ۵۵ در همکاری با سازمان ملل متحد اقدامات فردی یا دسته جمعی معمول دارند.

حق بر غذای کافی ست. اگر چه بر تدریجی بودن تحقق حق بر غذا تاکید می‌شود، اما تدریجی بودن تحقق کامل آن به این معنی نیست که دولت‌ها هیچ تعهد فوری به تأمین حداقل برخورداری اشخاص تحت صلاحیت خویش از این حق ندارند.

در هر حال دولت‌ها متعهد به تحقق حق غذا می‌باشند و در این زمینه راه کارهای گوناگونی وجود دارد. یکی از مهم‌ترین ابزارهای دولت‌ها در اجرای تعهداتشان نسبت به حق بر غذای کافی، قانون‌گذاری است. هر قانونی که با حق بر غذا در تعارض است باید اصلاح شود و به‌طور عام، قانون‌گذاری باید یک چارچوب حقوقی فراهم کند که در آن حق بر غذا محترم شمرده، محافظت شود و برآورده گردد. همچنین دولت‌ها ملزم هستند تا حمایت‌های حقوقی و قضایی لازم را برای تحقق حق بر غذا به عمل آورند و نهادهای قانونی و قضایی مناسبی را برای چنین هدفی در نظر گیرند. در ضمن دولت‌ها باید نظارت‌های لازم را بر فعالیت‌های تجاری و اقتصادی داشته باشند تا همواره امنیت غذایی حفظ گردد. دولت‌ها باید توجه داشته باشند که حقوق بشر به یکدیگر مرتبط بوده و از یکدیگر تفکیک ناپذیرند و در همین رابطه تحقق حق بر غذا می‌تواند تأثیر مثبتی بر تحقق دیگر حقوق بشر داشته باشد.

همچنین باید توجه داشت که بر اساس حقوق بین‌الملل دولت‌ها در مقابل حق بر غذای مردم دیگر کشورها نیز متعهد هستند و باید در اتخاذ سیاست‌های اجرایی‌شان به گونه‌ای عمل کنند که نه تنها موجب نقض حق بر غذای کافی مردمان سرزمین‌های دیگر نشود، بلکه تا جایی که ممکن است به تحقق و اجرای کامل حق بر غذای آن‌ها یاری رسانند. به ویژه با توجه به ماده ۵۵ و ۵۶ منشور ملل متحد، و تفسیر ویژه بند اول ماده ۲، ۱۱ و ۲۳ میثاق و اعلامیه رم اجلاس جهانی غذا، دولت‌ها باید نقش اساسی و بارز مشارکت بین‌المللی را به رسمیت بشناسند و تعهداتشان را در قبال مشارکت در اقدامات و فعالیت‌های بین‌المللی که به تحقق کامل حق بر غذای کافی می‌انجامد، بپذیرند.

در نهایت به کار بردن ادبیات بشردوستانه یک مطلب است و به اجرا گذاشتن سیاست‌های عملی در آن راستا مقوله دیگری ست. اگر چه در نظر، اسناد حقوقی و غیر حقوقی فراوانی در زمینه حق بر غذا و لزوم مبارزه و حتی چگونگی مبارزه با گرسنگی در جهان مصوب و منتشر شده، اگر چه ادعاها و قول‌های بی‌شماری سال‌هاست که توسط رهبران دولت‌های جهان به ویژه رهبران دولت‌های شمال در زمینه کمک به جنوب برای مقابله با سوء تغذیه داده می‌شود، اما در عمل رفتار و سیاست جهانی به طور کامل متفاوت است. متأسفانه سیاست جهانی فعلی بر پایه سودگرایی اقتصادی صرف است، بدون توجه به حال و آینده دیگران. افزایش تعداد گرسنگان جهان به یک میلیارد نفر با وجود وعده برای تلاش به نیم رساندن آن تا سال ۲۰۱۵ میلادی نشان‌گر آن است که دولت‌های جهان به ویژه دولت‌های شمال در عمل به تعهدات

خود در قبال تحقق حق بر غذا چه در سطح داخلی و چه در سطح بین‌المللی قصور می‌ورزند. حق بر غذا زمانی به مفهوم واقعی تحقق پیدا خواهد نمود که همه دولت‌ها چه در سطوح ملی و چه در سطوح بین‌المللی به تعهدات خود بر اساس اسناد حقوقی بین‌المللی عمل نموده و به ویژه دولت‌های توسعه‌یافته در این راستا به مسئولیت بین‌المللی خویش بیش از پیش عمل نمایند.

منابع و مأخذ

الف- فارسی

- کتاب

۱. شبرنگ، محمد (گردآورنده) (۱۳۸۲)، منشور سازمان ملل متحد، چاپ هفتم، تهران، انتشارات دانشور.

- مقاله

۱. ابراهیم گل، علی‌رضا (۱۳۸۷)، «حق بر غذا: پیش شرط تحقق سایر حقوق»، مجله حقوقی بین‌المللی، سال بیست و پنجم، شماره ۳۹، صص ۲۲۱-۲۴۳.
۲. مولایی، یوسف (۱۳۸۶)، «نسل سوم حقوق بشر و حق به محیط زیست سالم»، فصلنامه حقوق مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۷، شماره ۴، صص ۲۹۶-۲۷۳.
۳. هنریخش، نازلی، عطیه (۱۳۸۸)، «میزان پیشرفت آرمان هفتم توسعه هزاره در جهان و ایران»، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، شماره ۴۳، پژوهشنامه توسعه پایدار و محیط زیست (۷)، صص ۷-۳۴.

ب- خارجی

Books:

1. Ahluwalia, Pooja (2004), **The Implementation of The Right to Food at The National level: A Critical Examination of The Indian Campaign On The Right to Food As An Effective operationalization of Article 11 of ICESCR**, New York, NYU School of Law, Center For human Rights And Global Justice Working Paper Economic, Social And Cultural Rights Series.
2. Craven, Mathew, C.R. (1995), **the International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights, A Perspective on Its Development**, Oxford, Clarendon Press.
3. De Schutter, Olivier, (2009), **International Trade in Agriculture and the Right to Food**, a report presented to the Human Rights Council session of March 2009 (A/HRC/10/005/Add.2), GENEVA, Available at: library.fes.de/pdf-files/bueros/genf/06819.pdf.
4. Eide, Asbjorn, (1998), **the Human Right to Adequate Food and Freedom from Hunger, In the Right to Food in Theory and Practice**, Italy, FAO Publication.
5. FAO, (2011), **the State of Food Insecurity in the World**, Italy, Food and Agriculture Organization of the United Nations Publication.
6. FAO, (2006), **The Right to Food in Practice. Implementation at The National Level**, Rome, FAO Publications, Available at: www.fao.org/docs/eims/upload/214719/AH189_en.pdf.
7. Herbel, Denis, and Eve Crowley, (2012), **Good Practices in Building Innovative Rural Institutions to Increase Food Security**, Rome, Italy, FAO Publications, 2012, pp. 1-118, Available at: www.fao.org/docre/015/i2258e/i2258e00.pdf.

8. Kent, George, (2009), **The Human Right to Adequate Food**, Honolulu, Hawaii, Department of Political Science University of Hawaii¹, Available at: www.fao.org/righttofood/kc/downloads/vl/docs/AH288.pdf.
9. Kent G., (2003), **the Right to Adequate Food**, Hawaii, The Department of Political Science at the University of Hawaii, Honolulu.
10. Vidar Margaret, (2003), **Implementing the Right to Food: Achievement, Shortcomings and Challenges: Advantages of Framework Law**, Keynote address by FAO Legal Officer, India, Indian Social Institute & FIAN International.
11. Vidar, Margaret, (2003), **The Right to Food in International Law**, South Africa, The Socio-Economic Rights Project of the Community Law Centre, University of the Western Cape.

Articles:

1. Hannum, H., (1998), "The Status of the Universal Declaration of Human Rights in National and International Law", **Georgia Journal of International and Comparative Law**, Vol. 25, pp. 276-293.
2. Narula, Smita, (2006), "The Right to Food: Holding Global Actors Accountable Under International Law", **Columbia Journal of Transnational Law**, Vol. 44, pp. 691-778.

Documents:

1. Convention on The Prevention and Punishment of The Crime of Genocide, 1948, Available at: <http://www.icrc.org/ihl.nsf/full/357OpenDocument>.
2. Convention Relating to The Status of Refugees, 1951, Available at: <http://www.unhcr.org/3b66c2a10.html>.
3. Convention on The Rights of The Child, 1989, Available at: <http://www2.ohchr.org/English/law/crc.htm>.
4. General Comment 3, 1990, The Nature of State Parties Obligations, Committee on Economic, Social and Cultural Rights, Available at: <http://www.unhchr.ch/tbs/doc.ns>.
5. General Comment 6, 1982, The Human Rights Committee, Available at: [http://www.unhchr.ch/tbs/doc.nsf/\(Symbol\)/Opendocument](http://www.unhchr.ch/tbs/doc.nsf/(Symbol)/Opendocument).
6. General Comment 12, 1999, Committee on Economic, Social and Cultural Rights, the Right to Adequate Food (Article 11 of the Covenant), UN Document No E/C/12/1999/5, Available at: <http://www.unhchr.ch/tbs/doc.nsf/0/>.
7. General Comment 28, 2000, The Human Rights Committee, Available at: <http://www.unhchr.ch/tbs/doc.nsf/>.
8. International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights, 1966, Available at: <http://www2.ohchr.org/english/law/cescr.htm>.
9. Report of the High Commissioner for Human Rights, 1998, the Right to Food, E/CN.4/1998/21.
10. Report of the Special Rapporteur, 2003, the Right to Food, E/CN.4/2003/54.
11. Report of the Special Rapporteur, 2001, The Right to Food, E/CN.4/2001/53, Available at: <http://www.unhchr.ch/Huridocda/Huridocda.nsf/TestFrame/Open document>.

Internet sources:

1. Action against Hunger, 2010, Information sheet, Available at: <http://www.actionagainsthunger.org/take-action>.
2. World Food Programme, Hunger Status, Available at: <http://www.wfp.org/hunger/stats>.